

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۷ اپریل ۲۰۱۶

همکار گرانقدر، محترم "م. ن.!"

با تقدیم احترامات فایقه، همکاری شما را با پورتال آزادگان و عاری از وابستگی "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" به شخص شما و سایر هم میهنان تبریک عرض می کنم و از اظهار نظر در مورد مضمون اینجانب ابراز سپاس می نمایم. امید که همکاری سایر انسان های شریف، نجیب و پر از محبت به مردم و کشور مانند شما، با پورتال دشمن افکن "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" تداوم یابد تا هم میهنان ما بتوانند از نظرات ضد استعماری و مهین دوستانه شما و آنها بهتر مستفید گردند.

جناب شما در مورد چگونگی و کیفیت معاهده و یا معاهدات استعماری که بین امریکای حاکم و افغانستان محکوم به امضاء رسیده طالب معلومات شدید که اینک تا جائی که ذهنم اجازه می دهد، عرایض خود را خدمت شما تقدیم می دارم. صحبت درین جا مجموعی است. اگر احياناً در مورد روحیه هر ماده و یا مواد این معاهدات استعماری سؤال یا سوالات مشخصی نزد شما خلق گردد، با کمال خوشی و در صورت توان به جواب خواهم پرداخت.



خاک فروشان حین امضای معاهده گندمک ۲

تعداد دیگری از خاک فروشان در راست و چپ عکس معلوم نمی شوند

یقین دارم، شما آگاهید که امریکای حاکم دو معاهده استعماری را بر کشور محکوم و اشغال شده افغانستان تحمیل نمود: ۱. "موافقتنامه همکاری های دراز مدت ستراتیژیک میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده امریکا"

مورخه ۲ می سال ۲۰۱۲ و ۲. "معاهده همکاری امنیتی و دفاعی میان جمهوری اسلامی افغانستان و ایالات متحده امریکا" که به تاریخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۴ به امضاء رسید.

معاهده اول بیشتر در مورد عمومیات و همکاری های دراز مدت دو کشور حاکم و محکوم صحبت می کند. اما معاهده دوم یعنی "معاهده امنیتی و دفاعی" بین امپریالیسم امریکا و افغانستان اشغال شده، افغانستان را در بست تحویل امریکا داده و حاکمیت افغانستان را به فروش رسانیده است. در تحریر و عقد هر دو معاهده، دولت مستعمراتی کابل کمترین صلاحیتی نداشته است. این که "حامد کرزی" معاهده دوم را امضاء نمی کرد، دلیل مردمی و ملی بودنش نبود، بلکه نسبت روابط غیر حسنه اش با اداره "اوباما"، از امضای معاهده دوم خوداری نمود تا "ملی و مردمی" جلوه نماید. "داکتر نجیب" آخرین رئیس جمهور دست نشاندۀ سوسیال امپریالیسم شوروی هم در اواخر سلطۀ خود، تلاش های مذبحخانه به خرچ داد تا بتواند هویت ملی بیابد، که به جایی نرسید.

از نظر گاه مبارزان راه آزادی، هر دو معاهده، استعماری و ضد حقوقی اند که بر افغانستان محکوم و اشغال شده تحمیل شده است. هر معاهده حقوقی چه داخلی باشد وجه بین المللی، باید بر مبنای رضایت عاقدین و اراده آزاد جانبین منعقد گردد. چون افغانستان در اشغال است و حاکمیت ملی ندارد، پس دولت مستعمراتی افغانستان اراده آزاد هم ندارد تا بتواند آزادانه در پای عقد معاهدات بین المللی امضاء نماید. درین صورت، در عقد قرار داد های فوق الذکر موضوع جبر و اکراه مطرح می شود که دولت مستعمراتی افغانستان محکوم آن را اجباراً پذیرفته است. زمانی که جبر و اکراه در یک قرار داد داخل شد، همان قرار داد، در بنیاد ضد حقوقی نامیده می شود. درین جا یک مثال ساده را خدمت شما ذکر می نمایم. تصور نمائید که مدیر یک محبس با یک محبوس قرار داد می بندد و بر وی فشار می آورد که به موجب آن محبوس سند اعدام خود را امضاء نماید. بعد مدیر محبس می گوید که محبوس طبق توافق جانبین و رضایت کامل، سند اعدام خود را امضاء کرده است. آیا می توان این قرار داد را عادلانه و حقوقی خواند و ادعا کرد که با رضایت عاقدین و بدون اکراه منعقد شده است؟ این حالت در مورد افغانستان محکوم و اشغال شده هم صدق می کند.

شما فرموده اید که "لویه جرگه" هم "معاهده امنیتی و دفاعی" بین دو کشور را به امضاء رسانیده است، پس مشکل چه خواهد شد؟ به عرض برسانم که دولت افغانستان در مجموع مستعمراتی است که بر مبنای معاهده استعماری بن مورخه ۵ دسمبر ۲۰۰۱ بنا گردیده است. از دیدگاه آزادی خواهان، وقتی که یک دولت مستعمراتی باشد، تمام تشکیلات سه گانه آن هم مستعمراتی شمرده می شود. نمی توانیم ادعا نمائیم که در یک دولت مستعمراتی قوه اجراییه بر قوه قضائیه و یا قوه مقننه بر قوه اجراییه برتری دارد، زیرا یک قوه دولت مستعمراتی نسبت به دیگر آن ملی تر است. هرگز چنین نیست. "لویه جرگه" هم قدسیت خود را از دست داده است. در واقعیت تقدس "لویه جرگه" توسط مزدوران "خلقی - پرچی" به نابودی کشانیده شد. دولت مزدور شوروی چندین بار "لویه جرگه" ها را به راه انداخت تا بتواند به تجاوز شوروی و تسلط ضد مردمی خود مشروعیت بخشد که هرگز مورد تأیید ملت و جهان قرار نگرفت. پس از نظر آزادی خواهان و هم میهنان شریف و ضد استعمار، نه معاهده بن ارزش حقوقی دارد و نه تأیید شورا و لویه جرگه مستعمراتی می تواند حقانیت معاهدات استعماری و تحمیل شده بر افغانستان را به اثبات برساند.

بار دیگر مراتب سپاس من را بپذیرید.